

سر سخن

• محمود شیخ

دوره قاجار، به ویژه عصر ناصری، مقطعی از تاریخ ایران است که می‌توان آن را نقطه اوج فرهنگی و تمدنی ایران شیعی نامید. صدها فقیه و حکیم در دهه‌ها مدرسه عالی بزرگ در تهران، با موقوفات بسیار و تأمین هزینه‌های تحصیل طلاب جوان، به آموزش فقه، کلام، حکمت، ریاضیات، طب و نجوم قدیم، و حتی عرفان ابن عربی مشغول بودند. تهران شهر هزار حکیم بود و در عرض تهران، در اصفهان، مشهد و سبزوار و، دروس عالی حکمت و فقه عرضه می‌شد. این دستاوردها نشانه آن بود که قاجاریان نه تنها میراث صفوی را حفظ کرده بودند، بلکه آن را به بلوغی درونی رسانده بودند.

در چنین فضایی، آیین‌های سوگواری محرم، با حکومت، فرهنگ و هنر قاجاری پیوندی تام و تمام یافته بود. تکیه دولت، به عنوان نماد اهتمام سلطنت به بزرگداشت شعائر شیعی، تنها مکانی برای برگزاری مراسم عزاداری نبود بلکه میدان نمایش پیوند میان سلطنت و تشیع، پایبندی شاه به باورهای شیعی، شریعت‌پناهی او و نیز رشته ارتباطش با عموم مردم، به ویژه روحانیت و بازاریان بود. تعزیه نیز در اینجا به ژانری هنری و ایرانی بدل شده بود که در آن سوگنامه (تراژدی) کربلا بارها و بارها با حضور جمعیتی زنده و با مشارکتی عاطفی و ژرف از سوی تماشاگران اجرا می‌شد. در تجربه تعزیه مرز میان صحنه و تماشاگر و میان بازیگر و عزادار همواره سیال است و واقعه‌ای که قرن‌ها از آن گذشته، بار دیگر در اکنون جمعی بازآفریده می‌شود.

محرم قاجاری را نمی‌توان تنها در تکیه دولت یا در دربار جست‌وجو کرد. محرم، در این دوره، به تمامی در کالبد شهر جریان داشته است. کوچه‌ها و بازارها، محله‌ها و گذرها، مساجد و حسینیه‌ها و خانه‌های مردم، هر یک به نحوی در بازآفرینی حافظه عاشورا سهم داشته‌اند. تهران محرم، شهری بوده که برای مدتی از نظم عادی خود فاصله می‌گرفته و در نظامی آیینی، عاطفی و جمعی بازتعریف می‌شده است. هیئت‌ها و دسته‌ها از محله‌های گوناگون به حرکت درمی‌آمدند، صداها و نواها در فضای شهر می‌پیچیدند، نشانه‌ها و بیرق‌ها برپا می‌شدند و

گروه‌های مختلف اجتماعی، هر یک با زبان و شیوه خاص خود، در بزرگداشت شهدای کربلا حضور می‌یافتند.

از این منظر، «محرم‌های دارالخلافة طهران در عصر قاجار» به عنوان موضوعی برای مطالعه تاریخ آیین‌های مذهبی، روزنه‌ای است برای شناخت نسبت دین و جامعه در ایران و نسبت قدرت با مردم و شناخت حافظه تاریخی و زندگی روزمره در ایران معاصر. محرم در تهران قاجاری عرصه‌ای است که در آن، تشیع از سطح اعتقاد فردی فراتر می‌رود و به یک فرهنگ زنده، یک تجربه جمعی و زبانی برای صورت‌بندی هویت اجتماعی بدل می‌شود؛ لذا شناخت آن به مثابه شناخت ابعاد گوناگون ایران شیعی است.

بررسی محرم و آیین‌های سوگواری امام حسین (ع) مستلزم ورود به جهانی چندلایه است. مراد از «جهان چندلایه» آن است که محرم را نمی‌توان صرفاً یک مناسک مذهبی یا آیین سوگواری دانست؛ بلکه مجموعه‌ای درهم‌تنیده از معناها، نهادها، رفتارها و تجربه‌های فردی و جمعی است. در یک لایه، محرم، جهانی اعتقادی و الهیاتی است که در آن مفاهیمی چون شهادت، عدالت، امامت، مظلومیت و وفاداری صورت‌بندی می‌شوند؛ در لایه‌ای دیگر، جهانی آیینی و به یک لحاظ عاطفی است که با گریه، روضه، زیارت، سوگواری و تجربه جمعی اندوده ساخته می‌شود؛ لایه دیگر، اجتماعی و شهری است، یعنی ظهور سوگواری در محله، بازار، تکیه، مسجد، هیئت و گروه‌های اجتماعی. محرم هم‌زمان، جهانی هنری و زیبایی‌شناختی است که در تعزیه، موسیقی، شعر، نقاشی، معماری، بیرق و آیین‌های نمایشی تجلی می‌یابد؛ از سوی دیگر، این آیین با قدرت نیز در ارتباط است؛ گاه زبان مشروعیت سیاسی و گاه زبان اعتراض و نقد قدرت می‌شود. محرم همچنین عرصه‌ای برای تولید حافظه تاریخی است که در آن، گذشته در قالبی تازه تجربه و بازسازی می‌شود. به همین سبب، سوگواری محرم در ایران شیعی جهانی است که در آن امر قدسی با زندگی روزمره، ایمان با هنر، عاطفه با سیاست و حافظه تاریخی با هویت اجتماعی درهم می‌آمیزد. شناخت این جهان به ما امکان می‌دهد ایران را نه فقط از خلال متون رسمی و نهادهای سیاسی، بلکه از خلال شیوه زیستن، احساس کردن، به یاد آوردن و معنا بخشیدن مردم بشناسیم. از این منظر، مطالعه محرم در طهران قاجاری راهی برای فهم بخشی از جهان ایرانی و چگونگی شکل‌گیری پیوندهای دین، جامعه، فرهنگ، هنر، سیاست و هویت در آن است.

جا دارد از کوشش‌های دست‌اندرکاران مجله «حیات کاشانه ما» که در این شماره بر این موضوع مهم تمرکز کرده‌اند، سپاسگزاری کنم. نویسندگان این شماره در بررسی محرم‌های دارالخلافة کوشیده‌اند به جهانی چندلایه نزدیک شوند و محرم قاجار را از ابعاد سیاسی، اجتماعی، ادبی و هنری بازخوانی کنند. بررسی میراث فرهنگی سوگواری محرم، تنها بازگشت به گذشته نیست؛ بلکه کوششی است برای فهم یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های فرهنگی و هویتی جامعه ایرانی؛ سرچشمه‌ای که هنوز نیز، با همه دگرگونی‌های تاریخی، در حافظه و زندگی جمعی ما جاری است.



نگاره مهجوری از ناصرالدین شاه قاجار، محفوظ در گنجینه کاخ صاحبقرانیه. عین السلطنه این تابلو را نزدیک‌ترین نقاشی به چهره شاه توصیف کرده بود. به عقیده کارشناسان، صورت ناصرالدین شاه در این تابلو را استاد کمال‌الملک کشیده و پیکره او را احتمالاً فرد دیگری نقاشی کرده است. این تابلو یک سال در تکیه دولت بود و بعد از ساخت مقبره شاه در آرامگاه شاه عبدالعظیم (ع)، آن را بر بالای مقبره قرار دادند و تا سال ۱۳۵۷ در آنجا بود.



محرم در ایران



پرتال جامع علوم انسانی
دانشگاه امام شافعی
مرکز تحقیقات اسلامی